

حسینیه ارشاد و حکومت پهلوی

۱۰ آذر ۱۳۹۹ ساعت ۱۴:۳۳

حسینیه خیلی زود به یکی از محافل اصلی و مهم مخالفین پهلوی تبدیل شد. از جمله شخصیت‌های مهمی که در این مکان به فعالیت و سخنرانی پرداختند می‌توان به کسانی چون شهید مطهری و دکتر شریعتی اشاره نمود.

کافه تاریخ- مقالات

مساجد و سایر محافل مشابه آن همچون حسینیه‌ها از مراکز مهم دینی و سیاسی در دوره پهلوی محسوب می‌شدند. چنانچه بسیاری از فعالیت‌های سیاسی مهم همچون سخنرانی‌ها و یا پخش اعلامیه‌ها از طریق این محافل صورت می‌گرفت. حسینیه ارشاد از جمله این نهادها بود که محل سخنرانی چندتن از شخصیت‌های مهم سیاسی همچون شهید مطهری، مفتاح و یا شریعتی بود. این حسینیه در دهه ۴۰ و با اهداف خاص دینی و سیاسی ساخته شد و کانون مهمی در شکل‌گیری تجمعات مخالفین حکومت پهلوی محسوب می‌شد.

حسینیه ارشاد، از زمان تأسیس تا اهداف آن

بنای حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۰ پی‌ریزی شد. بنیان‌گذاران آن کسانی چون ناصر میناچی، محمد همایون و عبدالحسین علی‌آبادی بود. این افراد به همراه سایر روشنفکران دینی، «حسینیه را با اهداف احداث مسجد و رواق خطابه‌های مذهبی برای برگزاری سخنرانی‌های دینی و علمی و اخلاقی و همچنین ترویج و نشر تعالیم و تشریح اهداف دین اسلام؛ تأسیس مراکز تحقیقاتی و تربیتی اسلامی؛ تأمین مراکز تحقیقاتی علمی اسلامی؛ پرداختن به کارهای خیریه و کمک‌های لازم به دیگر مؤسسات تعلیماتی اسلامی و انجام‌دادن خدمات بهداشتی؛ اجرای عملیات اقتصادی برای گسترش منظور و موضوع مؤسسه؛ و نشر مطبوعات دینی بنیان گذاشتند.»^۱ بنابراین می‌توان گفت حسینیه تنها محفل فعالیت‌های دینی- مذهبی نبود، بلکه بخش مهمی از فعالیت‌های آن به مسائل فرهنگی اختصاص داشت.

حسینیه از نظر معماری سبک و سیاق خاصی داشت و با معماری معمول سایر نهادهای مذهبی خود تفاوت زیادی داشت. حتی چیدمان داخلی آن نیز با سایر حسینیه‌ها فرق می‌کرد. همین موضوع باعث شده بود تا برخی از شخصیت‌های مذهبی انتقاداتی نسبت به آن داشته باشند. شاید علت اصلی این تفاوت و نگرش متفاوت بنیان‌گذاران آن متأثر از اهداف نوگرایانه آنها بود که درصدد تفسیری نو از مسائل دینی بودند. همین موضوع باعث شده بود تا نگاه معماران حسینیه به ساختمان و کالبد این نهاد

نیز نوگرایانه و متفاوت از سایر حسینی‌ها باشد. به عنوان مثال داخل حسینی‌ه‌های قرار داده شده بود تا افراد به جای فرش، بر روی صندلی بنشینند. چیزی که در سایر حسینی‌ها و یا مساجد معمول نبود و از این رو نوع خود منحصر و جدید بود.

فعالیت‌های حسینی و سخنران برجسته آن

حسینی خیلی زود به یکی از محافل اصلی و مهم مخالفین پهلوی تبدیل شد. از جمله شخصیت‌های مهمی که در این مکان به فعالیت و سخنرانی پرداختند می‌توان به کسانی چون شهید مطهری و دکتر شریعتی اشاره نمود. شهید مطهری از جمله مهمترین شخصیت‌های مذهبی بود که از همان ابتدای تأسیس حسینی، همکاری خود با آن را آغاز نمود و حتی در زمینه فرهنگی و نشر اولین کار چاپی حسینی به همکاری با آن پرداخت.

علاوه بر مطهری، علی شریعتی نیز از جمله افرادی بود که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های سیاسی و مذهبی خود را در این حسینی انجام داد. شریعتی از چهره‌های شاخص مبارز و از طرفداران اسلام انقلابی بود. وی در دهه ۱۳۵۰، عملاً وارد مبارزات سیاسی شده و تمام توان وقتش را در حسینی‌ه‌ها، به کار گرفت و سعی کرد آنجا را به یک دانشگاه اسلامی نوگرا و رادیکال تبدیل کند. ۲. همین موضوع بتدریج یکی از عوامل اختلاف میان او و شهید مطهری شد و باعث شد تا مطهری با ایراد انتقاداتی به شریعتی، خواستار برکناری او گردد.

«مطهری از آن بیم داشت که نسل جوان به راهی غیر از اسلام قرآنی راه پیدا کنند. او معتقد بود به همان اندازه که بی‌دینی در یک جامعه خطرناک است بدفکری و کج‌اندیشی مضر بلکه خطرناکتر است.» ۳ اما میناچی مخالف کنار رفتن شریعتی بود. ناصر میناچی، از بنیان‌گذاران حسینی، وکیل و عضو فعال حقوق بشر و یکی از دو رئیس بازار تهران که پایگاه سنتی مخالفین و هیئت مدیره حسینی‌ه‌ها مرکز مذهبی در تهران بود. او مدتها طرفدار و حامی پشت پرده رهبران مذهبی میانه رو مخالف نیز بود. همچنین او دوست نزدیک آیت الله کاظم شریعتمداری بود. ۴ در نهایت این جبهه‌گیری و اختلافات باعث تا بتدریج بسیاری از شخصیت‌های مهم چون مطهری و دوستان و همفکرانش که در حسینی‌ه‌ها فعالیت داشتند از آن خارج شوند و حسینی‌ه‌ها به محفل اصلی سخنرانی شریعتی تبدیل گردد.

گفته شده است در دوران فعالیت شریعتی در حسینی‌ه‌ها، بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز به آن راه یافتند. «محمد مهدی جعفری» در خصوص دیدگاه سازمان نسبت به شریعتی می‌گوید سازمان در ابتدا رفتن به حسینی‌ه‌ها را ممنوع کرده بود، اما هنگامی که سران سازمان در زندان دیدند که بسیاری از اعضای مجاهدین تربیت شده حسینی‌ه‌ها ارشاد هستند گفتند که ما اشتباه می‌کردیم و رفتن به حسینی‌ه‌ها ارشاد لازم است. ۵. چنانچه حتی بسیاری از اعضای سازمان، آثار رادیکال خود در رابطه با برخی از مسائل اسلام را از طریق آثار شریعتی انتشار دادند که همین موضوع حساسیت سران پهلوی را برانگیخت.

سران حکومت پهلوی حسینی‌ه‌ها را از همان آغاز زیر نظر داشتند. آنها ابتدا برفعالیت‌های گردانندگان حسینی‌ه‌ها صرفاً نظارت می‌کردند، اما به تدریج و در پی توسعه و تعمیق فعالیت‌ها و حضور اشخاص معارض و سیاسی در این مرکز، حساسیت مقامات امنیتی برانگیخته شد؛ با وجود این، با توجه به امکان نفوذ و سیطره جریان چپ در کشور، که خطری بالقوه برای آن حکومت بود، آن را به نفع خود ارزیابی کرد. ۶ البته اسنادی نیز موجود است که نشان دهنده عدم وجود گروه‌های افراطی در حسینی‌ه‌ها است. از

جمله این اسناد می‌توان به گزارشات ساواک اشاره کرد که در آن تأکید شده است که هیچ گونه مدارک مستندی که حکایت از وجود رابطه مستقیم بین گردانندگان این مراکز با عناصر خرابکار و افراطی مذهبی بنماید، وجود ندارد. ۷.

سخن نهایی

حسینیه ارشاد تا سال ۱۳۵۱ به فعالیت‌های خود ادامه داد و در نهایت با دستور مستقیم شاه در این سال تعطیل گردید. گفته می‌شود گذشته از ترس و واهمه شاه از ادامه فعالیت‌های حسینیه که مستقیماً حکومت و شخص شاه را نشانه گرفته بود، فشار برخی از روحانیون نیز در تعطیلی حسینیه تأثیرگذار بود. این گروه از روحانیون نگران فعالیت‌های افراطی حسینیه و دیدگاه‌های متفاوت آن پیرامون مسائل دینی بودند. با این حال بعد از تعطیل شدن حسینیه، برخی از افراد در قالب موضوعات فرهنگی به فعالیت‌هایی در این زمینه پرداختند و برخی نیز به صورت پنهانی در عرصه سیاسی فعالیت‌هایی داشتند. حسینیه ارشاد بعد از انقلاب، فعالیت‌های خود در زمینه مسائل دینی و مذهبی را از سرگرفت و هم اکنون در بخش‌های مختلف به فعالیت مشغول است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/47140/پهلوی-حکومت-ارشاد-حسینیه/>